info@payamdaily.ir

تختین روزنامه صبح البرز

# پیام آشنا

شماره ۴۶۷۶
چهارشنبه ۵/ دی/ ۱۴۰۳
۲۳ / جمادی الثانیه / ۱۴۴۶
25 / December / 2024

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۴۲۴۲-۰۲۶، فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

فال روز

امروز با حافظ

دلا ز رنـج حسـودان مرنـج و واثق باش
که بد به خاطر امیدوار ما نرسد
چنان بزی که اگر خاک ره شوی کس را
غبار خاطری از ره گذار ما نرسد

فرازه

هستی مطلق است و وحدت صرف
این هو این انت این انا

جامی

فال کرج

اوقات شرعی

| اذان صبح | طلوع آفتاب | اذان ظهر | غروب آفتاب | اذان مغرب |
|---|---|---|---|---|
| ۰۵:۴۳ | ۰۷:۱۴ | ۱۲:۰۷ | ۱۶:۵۹ | ۱۷:۱۹ |

برگه

منتظر فرصت نباشید، فرصت‌ها را خلق کنید...

جورج برنارد شاو

## مکث

### سرعت تفکر انسان چقدر است؟

پژوهش جدید Caltech نشان می‌دهد که مغز ما اطلاعات را با سرعتی بسیار پایین و در حدود ۱۰ بیت در ثانیه پردازش می‌کند در حالی که سیستم‌های حسی ما حدود ۱۰۰ میلیون بار سریع‌تر داده‌ها را جمع‌آوری می‌کنند.

**به گزارش پیام آشنا** به نقل از خبرآنلاین، اغلب گفته می‌شود که مغز انسان قوی‌ترین رایانه جهان است و کارایی بی‌چون و چرایی دارد، اما واقعاً مغز ما از نظر رایانه‌ای چقدر سریع کار می‌کند؟ زیست شناسان Caltech حالا سرعت تفکر انسان را برحسب بیت محاسبه کرده‌اند. (باید این را در نظر داشت که ارتظر دیجیتالی، یک بیت‌صفر و یک است و رشته‌ای از آن‌ها برای کدگذاری اطلاعات مورداستفاده قرار می‌گیرد)

محققان در مطالعه جدیدشان در ابتدا تصمیم گرفتند که یک بیت را در اصطلاحات انسانی تعریف کنند که البته این، بر اساس حالت خاص پردازش اطلاعات متفاوت است، مثلاً یا خواندن و نوشتن، آن‌ها یک بیت را به‌عنوان یک کارا کتر متنی تعیین می‌کنند و در گوش دادن به گفتار، اساساً یک صداست.

برای نوشتن، آن‌ها آزمایششان را با مثال یک تایپیست حرفه‌ای شروع کردند که می‌تواند با سرعت ۱۲۰ کلمه در دقیقه، با میانگین ۵ حرف در هر کلمه که تا ۱۰ ضربه کلید یا بیت در ثانیه می‌آید تایپ کنند.

برای صدا، نرخ توصیه‌شده برای اطمینان از اینکه گفتار شما قابل درک باشد، تا ۱۶۰ کلمه در دقیقه است که با اعمال همان فرمول، معادل ۱۳ بیت در ثانیه است.

اعضای این تیم در ادامه به محاسبه نرخ بیت مشابه برای نمونه‌های پردازش اطلاعات انسانی پرداختند که شامل حل مکعب‌های روبیک یا سرعت رکورد جهانی (۱۱۸ بیت در ثانیه)، چالش‌های حفظ کردن ارقام (۴.۹ بیت در ثانیه)، تتریس حرفه‌ای (۷ بیت در ثانیه) و چالش کارت سرعت (که شامل مشاهده تصادفی یک دسته کارت و یادآوری آنها به ترتیب)(۱۷.۷ بیت در ثانیه) بود.

**مغزا کندتر از چشم‌هایمان**

اعضای تیم بعداز این آزمایش به این نتیجه رسیدند که سرعت حدود ۱۰ بیت در ثانیه، میانگین خوبی برای سرعت تفکر انسان است که در مقایسه با سیستم‌های انتقال داده‌های مصنوعی، بسیار کند است (به‌عنوان مثال، سرعت Wi-Fi معمولاً صدها میلیون بیت اندازه‌گیری می‌شود).

سرعت تفکر ما حتی در مقایسه با اعضای سخت‌افزاری بدن خودمان، از جمله اندام‌های حسی و سیستم عصبی نیز کندتر است. طبق محاسبه اعضای این تیم، یک گیرنده نوری مخروطی منفرد در چشم انسان می‌تواند اطلاعات را با سرعتی در حدود ۲۷۰ بیت در ثانیه منتقل کند که به ۱.۶ میلیارد بیت در ثانیه در هر چشم می‌رسد. این‌طور به نظر می‌رسد که عصب بینایی، آن را تا حدود ۱۰۰ میلیون بیت در ثانیه فشرده می‌کند. بااین‌حال، این هنوز سرعت تفکر ما را حقیر جلوه می‌دهد؛ به‌خصوص با توجه به حجم عظیم ورودی که از دیگر حواس پنج‌گانه ما در همان زمان وارد مغزمی‌شود.

مارکوس مایستر، نویسنده این مطالعه گفت: «هر لحظه، ما فقط ۱۰ بیت از تریلیون حواس دریافتی را استخراج می‌کنیم و از همان ۱۰ بیت‌برای درک جهان اطرافمان و تصمیم‌گیری استفاده می‌نماییم.» به گفته این تیم، نورون‌های منفرد ظرفیت سرعت داده‌های بسیار سریع‌تری را دارند؛ اما در عمل معمولاً با سرعت ۱۰ بیت در ثانیه کارمی‌کنند.

**میراثی به‌جای مانده از اجداد باستانی انسان**

این ممکن است از باستانی‌ترین اجدادمان برای ما به یادگار مانده باشد؛ چراکه آن‌ها فقط نیاز داشتند تا بر روی حرکت به سمت غذا و دوری از شکار چیان‌شان تمرکز شوند. بدین ترتیب، ما واقعاً می‌توانیم فقط یک "قطار فکری" در یک‌زمان در خط مقدم ذهن‌مان داشته باشیم.

در ادامه این مقاله می‌خوانیم: «اجداد ما یک جایگاه اکولوژیکی را انتخاب کردند که در آن جهان آن‌قدر کند است که بقا را ممکن می‌کند. درواقع، ۱۰ بیت در ثانیه فقط در بدترین شرایط موردنیاز است و بیشتر اوقات محیط ما را سرعت بسیار آرام‌تری تغییر می‌نماید»

اما پیامدهای فناوری آینده کمی نگران کننده است. طبق گفته محققان، رایانه‌ها، ربات‌ها و هوش مصنوعی اطلاعات را بسیار سریع‌تر از ما پردازش می‌کنند و یا کمتر زمان هم به مراتب سریع‌تر خواهند شد. در ادامه مقاله می‌خوانیم: «هدف در این‌باره که آیا تمییل‌های خودران در ترافیک، عملکردی در حد انسان خواهند داشت یا خیر، عجیب به نظر می‌رسد: جاده‌ها، پل‌ها و تقاطع‌ها همگی برای موجودانی طراحی‌شده‌اند که مغزشان با سرعت ۱۰ بیت در ثانیه پردازش می‌کند. روزی که درنهایت آخرین راننده انسانی هم بازنشسته شود، می‌توانیم زیرساخت ماشین‌ها را با قدرت شناخت در کیلوبیت بر ثانیه به‌روزرسانی کنیم در آن مرحله به انسان‌ها توصیه می‌شود که از این قبیل کارها دوری کنند، همان‌طور که حلزون‌ها باید از حرکت در بزرگراه‌ها اجتناب کنند.»

درعین‌حال این برای افرادی که امیدوارند تا با بهره‌گیری از سیستم‌هایی مثل Neuralink ایلان ماسک توانایی‌های شناختی‌شان را با هوش مصنوعی تقویت کنند، خبر بدی خواهد بود مهم نیست که کامپیوترها چقدر سریع شوند، مهم این است که سخت‌افزار پیچیده ما همچنان به همین سرعت به فعالیتش ادامه خواهد داد.

در بخش دیگری از این مقاله می‌خوانیم: «بر اساس تحقیقاتی که بر روی سرعت شناخت انسان انجام شد، پیش‌بینی می‌کنیم که مغز ایلان ماسک با سرعتی در حدود ۱۰ بیت در ثانیه با کامپیوتر ارتباط برقرار می‌کند. ماسک می‌تواند به‌جای دستهای از الکترودهای Neuralink، از تلفنی استفاده کند که نرخ داده آن برای مطابقت با زبان انسان طراحی شده باشد که به‌نوبه خود با سرعت ادراک و شناخت مطابقت داشته باشد.»

بااین‌حال، این مطالعه به اعداد و ارقام بیشتری نیاز دارد. بیت‌های مغز و شیپاهای رایانه به‌طور دقیق با یکدیگر قابل مقایسه نیستند. کمّی کردن بیت‌ها برای فعالیت‌های مختلف انسانی دشوار است.

به هر ترتیب، این مطالعه جذابی است که شما را به فکر وامی‌دارد؛ البته نه به‌سرعت کامپیوترها!

منبع: newatlas

## گزارش روز

# تروریست خوب؛ تروریست بد!

سرمایه‌گذاری آمریکا بر جولانی و وابستگان او، از مدت‌ها قبل در اتاق فکر سیاست خارجی آمریکا به مثابه یک سیاست کلان تعریف شده و گردش قدرت در کاخ سفید (از بایدن به ترامپ) کمترین تاثیری در پیشبرد این سیاست مداخله‌گرانه و خطرناک ندارد.

**به گزارش پیام آشنا** به نقل از وطن امروز، ملاقات‌مقامات آمریکایی و جولانی در سوریه، مورد توجه بسیاری از تحلیلگران مسائل منطقه و نظام بین‌الملل قرار گرفته است. این ملاقات، قطعا نقطه آغاز پیوند جولانی و واشنگتن نبوده و صرفا نقطه‌ای آشکارساز در مناسبات پیوسته این ۲ محسوب می‌شود. در این معادله، اساسا تفاوتی میان ۲ حزب سنتی آمریکا (دموکرات و جمهوری‌خواه) وجود ندارد. به عبارت دقیق‌تر، سرمایه‌گذاری آمریکا بر جولانی و وابستگان او، از مدت‌ها قبل در اتاق فکر سیاست خارجی آمریکا به مثابه یک سیاست کلان تعریف شده و گردش قدرت در کاخ سفید (از بایدن به ترامپ) کمترین تاثیری در پیشبرد این سیاست مداخله‌گرانه و خطرناک ندارد.

**۱ـ لغو جایزه دستگیری جولانی!**

دولت ژوزف بایدن روز جمعه ۲۰ دسامبر/ ۳۰ آذر اعلام کرد تصمیم گرفته است جایزه ۱۰ میلیون دلاری تعیین‌شده برای دستگیری ابومحمد جولانی، رهبر گروهک تروریستی هیأت تحریرالشام در سوریه را لغو کند. این اعلامیه پیش از دیدار باربارا لیف، دیپلمات ارشد آمریکا در منطقه با احمد الشرع (ابومحمد جولانی) منتشر شد. جولانی مدعی شده با القاعده و داعش همسو نیست و دیگر تعلقی به این ۲ گروهک تروریست ندارد. با این حال، اعضای گروه جولانی و مناسباتی که وی با تروریست‌ها دارد، چنین ادعایی را زیر سوال می‌برد. از یک سو، جولانی دروغ نگفته است! او بیش از آنکه متغیری وابسته به القاعده و داعش باشد، متغیری وابسته به کاخ سفید محسوب می‌شود. سیاست‌گذاری‌ها و حتی نحوه عملیات گروه‌های تروریست در خاک سوریه (از لذاب و ریف حلب گرفته تا حماه و دمشق) جملگی در بطن همین وابستگی متقابل تعریف می‌شود. نباید فراموش کرد همواره میان تروریسم مولد (آمریکا) و وابستگان آن در سراسر دنیا، بویژه منطقه غرب آسیا و شبه‌قاره هند ارتباط مستقیم و غیرقابل انکار وجود دارد.

**۲ـ نخستین حضور رسمی آمریکا در سوریه بسالسد**

این نخستین حضور رسمی و به اصطلاح دیپلماتیک آمریکا در سوریه از زمان پایان حکومت بشار اسد به شمار می‌رود. با این حال چنین دیداری کاملاً صوری و بر اساس نوعی ظاهرسازی انجام شد و هدف از آن، ارائه تصویری کاذب، از مواجهه آمریکا با تحولات سوریه است. بر این اساس، واشنگتن در صدد است هم خود و هم جولانی را بازیگرانی مستقل (و نه پیوسته) در چنین منظومه‌ای جلوه دهد. نکته جالب توجه و البته مضحک این است که هیأت تحریرالشام در آمریکا به عنوان یک سازمان تروریستی خارجی شناخته می‌شود اما در سیاست‌گذاری علنی آمریکا، تعلق مطلق و مفرط هیأت تحریرالشام به کاخ سفید، پنتاگون و سنتکام غیرقابل انکار است. گام بعد آمریکا، رفع تحریم‌های تحریرالشام است.

**۳ـ تصویرسازی آمریکا از جولانی**

تطهیر جولانی، تبدیل به یک بازی تاکتیکی آشکار از سوی واشنگتن شده است. رئیس هیأت به اصطلاح دیپلماتیک آمریکایی در دمشق (که با جولانی دیدار داشت) در مواضع خود مدعی شد: «آقای(!) الشرع متعهد به کنار گذاشتن تروریسم شده و نتیجه ایالات متحده دیگر جایزه تعیین‌شده را ارائه نخواهد کرد. ما درباره نیاز حیاتی به تضمین این موضوع صحبت کردیم که گروه‌های تروریستی نتوانند در داخل سوریه یا در خارج، از جمله علیه ایالات متحده و شرکای ما در منطقه، تهدیدی ایجاد کنند. به وی گفتم جایزه تعیین‌شده در برنامه «پاداش برای عدالت»(!) را دنبال نخواهیم کرد.»

چرخش سریع آمریکا از تروریست خواندن جولانی و حتی ملاقات رسمی و دیپلماتیک با او، به وضوح نشان‌دهنده نقشه راهی است که واشنگتن در قبال تحریرالشام و مهره خود در رأس آن (جولانی) تعریف کرده و بر اساس همان نقشه پیش می‌رود. اعلام ظاهری دغدغه‌های آمریکا در حالی صورت می‌گیرد که بر اساس شواهد متقن، واشنگتن مولد اصلی بحران در سوریه محسوب می‌شود. بدون شک یک مولد بحران نمی‌تواند نسبت به بحران خلق‌شده توسط خود ابراز نگرانی کند! قاعده‌ای که به صورت خاص درباره واشنگتن صادق است. به عبارت بهتر تسلط گروهک‌های تروریست بر سوریه معلول حمایت‌های مستمر آمریکا و شرکای غربی/عربی‌اش از گروه‌های تکفیری سوریه است. از این رو واشنگتن به عنوان مولد اصلی بحران اساسا صلاحیت سخن گفتن درباره این بحران را ندارد. نکته مهم دیگری که باید در این باره مدنظر قرار داد، به استراتژی و راهبرد تعریف‌شده و مدون کاخ سفید در سوریه بازمی‌گردد. واشنگتن به طور کلی مخالف تضعیف گروه‌های تروریست تکفیری است. به بیان دقیق‌تر هر آنچه منجر به تضعیف تروریست‌های تکفیری و تابودی آنها شود، با برخورد مستقیم کاخ سفید مواجه شده و پیرامون آن غوغای تبلیغاتی ـ رسانه‌ای بر پا می‌شود.

این همان حفاظ تامرلی اما ملموسی است که آمریکا حول جولانی و مهره‌هایش ایجاد کرده و بر بسط و گسترش آنها، ابعاد و عمق آن تاکید دارد. ایالات متحده آزادسازی واقعی سوریه و تحقق استقلال این کشور را مترادف با تضعیف مهره‌های خود قلمداد می‌کند. از این رو در صدد است به هر شکل ممکن جلوی این روند را بگیرد.

نکته بعد در این باره به رویکرد آمریکا در مذاکرات مربوط به سوریه بازمی‌گردد. آمریکا در طول سال‌های اخیر بویژه ماه‌های منتهی به تحولات جاری در سوریه، تجهیزات نظامی گسترده‌ای را از طریق مرزهای ترکیه برای گروهک‌های تروریست روانه ساخته است. فراتر از آن، اصرار واشنگتن بر حفظ تحریرالشام در خاک سوریه ـ که از طریق ترکیه در مذاکرات سال‌های اخیر از لسان اردوغان منتقل می‌شد ـ در همین چارچوب قابل ارزیابی است. در واقع آمریکا در صورتی تحولات سوریه و منطقه را مطلوب می‌پندارد که برآیند آنها منجر به تروریسم تبانی مطلوب واشنگتن شود. حفظ و گسترش دامنه بحران انسانی در سوریه، اصلی‌ترین خواسته ایالات متحده در برهه زمانی فعلی محسوب می‌شود. بدیهی است از دیدمقامات آمریکایی هر اندازه بحران در سوریه بیشتر گسترش یابد، قدرت مداخله کاخ سفید در امور غرب آسیا افزایش خواهد یافت.

**حنیف غفاری**

## اشاره

# زن‌ها تخت گاز می‌روند

زنان ایرانی از گذشته تاکنون توانمندی و ارزش‌های خود را همواره در عرصه‌های گوناگون به اثبات رسانده‌اند تا جایی که زن ایرانی معاصر با گام گذاشتن در عرصه‌های گوناگون تحصیلی خود را از حاشیه بیرون کشید و پله‌های ترقی را نسبت به دوران گذشته با سرعت طی کرد.

**به گزارش پیام آشنا** به نقل از ایران، زنان ایرانی از گذشته تاکنون توانمندی و ارزش‌های خود را همواره در عرصه‌های گوناگون به اثبات رسانده‌اند تا جایی که زن ایرانی معاصر با گام گذاشتن در عرصه‌های گوناگون تحصیلی خود را از حاشیه بیرون کشید و پله‌های ترقی را نسبت به دوران گذشته با سرعت طی کرد.

با نگاهی به آمارها می‌توان پیشرفت محسوس حضور زنان در جامعه و موفقیت‌هایشان را مشاهده کرد این اتفاق پس از انقلاب اسلامی صعودی شد و بانوانی در منصب‌های دولتی حضور داشته یا به عنوان نماینده‌گان مجلس و مسئول در دیگر نهادهای اجرایی برگزیده‌شدند.

امروزه شاهد نقش پررنگ بانوان در تمامی عرصه‌ها هستیم. بانوی ایرانی تشویق می‌شود در تمامی زمینه‌ها مشارکت فعالی داشته باشد؛ از شواهد بارز این امر، درخشیدن آنان حتی در مشاغلی است که زمانی صرفا مردانه تلقی می‌شد. از سال ۱۳۵۷، جمهوری اسلامی عزم خود را در جهت سوادآموزی و ارتقای تحصیل بانوان جزم کرد و اقدامات همه‌جانبه‌ای در نیل به این هدف در پیش گرفت. اقدامات قاطعانه‌ای که نتایج آن پس از گذشت حدود ۴۶ سال ملموس است و آمار گویای این حقایق است. چرا که نرخ جمعیت زنان باسواد ایرانی از ۳۷ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۹۱ درصد تا سال ۱۳۹۵ ارتقا یافت. بنابراین کشورمان رتبه چهارم برترین کشورهای دنیا در افزایش سواد زنان جوان را به خود اختصاص داد. همچنین بر اساس آخرین آمارها در سال ۱۴۰۰ باوجود رشد جمعیت، آمار بی‌سوادی در میان زنان ایرانی به ۶ درصد رسید و در سال ۲۰۲۲ در رتبه هفتم جهان از نظر شمار زنان دارای تحصیلات عالی دکتری نسبت به دیگر کشورها قرار گرفتیم.

وضعیت زنان ایرانی در مقایسه‌ای ساده با دوره‌های گذشته و حتی قیاس با زنان منطقه گویای واقعیت‌های مهمی از جمله رشد چشمگیر آنان در فضای سیاسی، اقتصادی، فناوری و... است. بویژه با آغاز دولت چهاردهم به ریاست جمهوری مسعود پزشکیان که نگاه ویژه‌ای نسبت به ظرفیت بانوان کشور دارد. از شواهد این امر انتصاب زهرا بهروزآذر به‌عنوان معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهوری، شیدا قصری در بست ریاست سازمان حفاظت محیط‌زیست، فرزانه صادق‌مالواجرد به عنوان وزیر راه و شهرسازی، فاطمه مهاجرانی در جایگاه سخنگوی دولت و سودابه ضرغام‌زاد به‌عنوان اولین فرماندار شهرستان دهگلان کردستان است.

با نگاهی گذرا به تاریخ نیز درمی‌یابیم که باوجود جنگ تحمیلی ۸ ساله ایران و عراق، یک سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سپس درگیری کشور با تحریم‌های یکجانبه و پیاپی امریکا و اروپا که شرایط اقتصادی سختی را پیش روی مردم قرار داد، جامعه زنان از رشد و پیشرفت بازنماند. هرچند که نباید آنان را جدا از کل جامعه در نظر گرفت و باید در مجموعه‌ای کلی مورد ارزیابی قرار داد اما باید اذعان کرد که در چنین فضایی و تحت فشارهای شدید کشورهای غربی زنان به رشد خود ادامه دادند و امروزه به ویژگی‌هایی دست یافتند که پیش از انقلاب اسلامی در جامعه احساس نمی‌شد اما چگونه؟

برای پاسخ به این پرسش بهتر است که کشورمان را با برخی همسایگانش در منطقه مقایسه کنیم؛ برای مثال تحصیلات ابتدایی دختران در افغانستان حتی در سال ۲۰۲۳ معضل اجتماعی در این سرزمین تلقی می‌شود. از سوی دیگر آمارها درباره شرایط زنان در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس گویای آن است که باوجود رفاه مالی فراوان شهروندان و علی‌رغم اینکه با مشکلاتی همچون فشارها و تحریم‌ها دست و پنجه نرم نمی‌کنند اما در این کشورها خبری از رشد اجتماعی زنان نیست. این رویداد را می‌توان ناشی از تفاوت‌های فرهنگی و سیاسی دانست.

وضعیت فعلی بانوان ایرانی شاید با کشورهایی مانند استرالیا و نیوزیلند که دارای بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خاصی نیستند قابل قیاس نباشد؛ اما می‌توان به خود بالید که جامعه زنان ایرانی تحت فشارهای سیاسی، اقتصادی و جنگ‌های نظامی همچنان به توانایی قابل توجهی دست یافته‌اند.

**رتبه هفتم بانوان ایرانی**

داده‌های منتشر شده از سوی سازمان جهانی نیروی کار (ILO)، نشان می‌دهد که سال ۲۰۲۲ ایران، جایگاه هفتم را از لحاظ جمعیت بانوان دارای مدرک تحصیلی دکتری که دارای شرط سنی کار هستند به خود اختصاص داده است. داده‌های منتشر شده از سوی سازمان جهانی نیروی کار نشان می‌دهد که امریکا در همان سال دارای ۲ میلیون و ۱۶۷ هزار و ۸۰۰ بانوی در سن کار با مدرک دکتری است که ۹ درصد این آمار نیمه خارجی بودهاند. آلمان در همان سال به رقمی زمانی با ۴۱۱ هزار و ۱۰۰ نفر بانو با مدرک دکتری که ۱۱/۸ درصد آنها نیمه خارجی هستند رتبه دوم را داشت. فرانسه هم با ۱۶۸ هزار و ۵۰۰ بانوی دارای مدرک دکتری در مقام سوم این رتبه‌بندی قرار گرفت و البته حدود ۱۳ درصد از این افراد فرانسوی نیوندند. این در حالی است که ایران در همان سال مجموعاً با ۸۰ هزار و ۸۰۰ بانو با مدرک تحصیلی دکتری و در سن کار در رده هفتم جهان قرار گرفت.

**پیشرفت چشمگیر زنان با آغاز دولت اصلاحات**

زنان در سال تحصیلی ۱۴۰۳ مانند سال‌های گذشته، بیش از مردان به دانشگاه راه یافتند. آنطور که آمار پذیرفته‌شدگان کنکور نشان می‌دهد ۶۲ درصد صندلی‌های دانشگاه‌ها به دختران تعلق پیدا می‌کند و تنها ۱۹۰ هزار و ۴۲ نفر از پذیرفته‌شدگان کنکور در سال جاری آقایان هستند. این در حالی است که در سال ۱۳۸۵ تنها ۳۱ درصد از جمعیت دانشجویی کشور را زنان تشکیل می‌دادند و امروز درصد جمعیتی آنها دوبرابر شده است.

درواقع از سال ۱۳۸۵ سهم دانشجویان دختر به ۶۴ درصد از کل جمعیت دانشجویی رسید و این رقم در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ به ۶۱ درصد رسید. سهم زنان از جمعیت دانشجویی در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ ثابت ماند اما نتایج کنکور امسال دوباره رشد ۱/۹ درصدی زنان در دانشگاه را نشان می‌دهد.

این ماجرا به اواسط دهه هشتاد بازمی گردد، زمانی که تغییر جمعیت دانشجویی به نفع زنان، بحث‌هایی را پیرامون توازن قدرت ایجاد کرد. با این تصور که وردن زنان بیشتر به دانشگاه‌ها به معنی ورود شمار بیشتری از آنان به بازار کار است که نتیجه آن توازن قـدرت میان زن و مرد در خانواده و جامعه خواهد شد.

در دوران اصلاحات از سال ۱۳۷۶، زنان در محوطه دانشگاه‌ها به شکوفایی بیشتری رسیدند و اولین‌بار سال ۱۳۷۷ بود که شمار قبولی‌های دختر در کنکور از پسران پیشی گرفت. رکوردی تازه که به حساب استثنا گذاشته شد، اما هیچ استثنایی در کار نبود و این روند همچنان از آن زمان تاکنون ادامه دارد.

در این بین؛ پیشرفت تحصیلی بـالای زنان در دانشگاه‌ها منجر به بالا گرفتن بحث‌هایی درباره تعیین سهمیه‌های جنسیتی شد و مجلس وقت سهمیه‌بندی جنسیتی در دانشگاه‌های دولتی را مطرح کرد. برای حمایت از این موضع، آنها به این واقعیت اشاره کردند که اکثر زنان تحصیلکرده دانشگاهی به نیروی کار نمی‌پیوندند. بنابراین، برخی آن را هدررفت هزینه‌های بسیار برای آموزش زنان جوانی دانستند که از مدرک خود در خدمت به جامعه بهره‌مند نمی‌برند. برخی دیگر هم نگران بودند که این عدم تعادل جنسیتی ساختار اجتماعی خانواده را بر هم بزند و تعداد زیادی از زنان تحصیلکرده برای ازدواج با مشکل مواجه شوند. سرانجام سال ۱۳۸۶ این موضوع رسمی و علنی اعلام شد.

عبدالرسول پورعباس، رئیس وقت سازمان سنجش از اعمال قانونی سخن به میان آورد که تضمینی بر حداقل ورودی هر جنسیت در برخی رشته‌های روزانه، شامل برخی پزشکی‌ها، مهندسی‌ها و علوم انسانی بود. موضوعی که به گفته او در بخشی از ظرفیت‌ها به نفع دختران و در بخشی به نفع پسرها تمام‌می‌شد.

صدای مخالفان با اجرای چنین طرحی بالا گرفت و فعالان حقوق زنـان این قانون را نوعی تبعیض جنسیتی خواندند. هر چند که مخالفت‌ها چندان تأثیری در این روند ایجاد نکرد و شـرایط در برخی سال‌ها بدتر شـد. مثلاً در سال ۱۳۹۲ کل رشته‌ها تفکیک جنسیتی شـدند. مثلاً دانشگاه علامه‌طباطبایـی، علوم تربیتی، علوم سیاسـی، کتابداری و اطلاع‌رسـانی را بـه زنان همچنین رشته‌های مددکاری اجتماعی، حسابداری، مدیریت صنعتی، مدیریت هتلداری را به مردان اختصاص داد.

بنابراین زنان نه تنها از ۷۷ رشته تحصیلی در سطح دانشگاه محروم شدند، بلکه مردان هم از تحصیل در برخی رشته‌های تحصیلی که زنانه تلقی می‌شد، باز ماندند. سیاست جنسیت‌سازی سیستم آموزش عالی برای محدود کردن گزینه‌های آموزشی زنان در نظر گرفته شده بود. وزیر علوم که در دولت احمدی‌نژاد مسـئولیت آموزش عالی را بر عهده داشت، به طور فعال این سیاست تفکیک جنسیتی و همچنین تعیین سـهمیه را ترویج می‌داد. اما پس از مدتی مشخص شد که بسیاری از این سیاست‌ها قابلیت اجرا ندارند. چرا که دانشگاه‌های ایران فاقد هیأت علمی و منابع لازم برای اعمال تفکیک جنسیتی در همه رشته‌ها بودند. دانشگاهیی که مدتی از این سیاست پیروی می‌کردند نیز به ناچار با مشکلات مالی قابل توجهی مواجه شـدند. در نتیجه اعمال تفکیک جنسیتی و سهمیه‌بندی جنسیتی، بی‌نتیجه ماند و این سیاسـت‌ها کاملاً کنار گذاشته شد.

از دیگر نکات قابـل توجه در دوران اصلاحات این بود که مشـارکت فرهنگی و هنری زنان رشـد شگفت‌انگیزی داشت. نرخ رشد شمار زنان ناشر در سـال‌های ۷۶ تا ۷۹ به بیـش از ۵۶ درصد و نرخ رشد شمار نویسندگان زن به بیش از ۳۰۰ درصد رسید. در زمان دولت اصلاحات حتی امکان انجام فعالیت‌های ورزشـی بیشتر در مقایسه با گذشته برای زنان فراهم شـد. بنابراین نرخ رشـد تعداد مکان‌های ورزشـی دولتی در سال‌های ۷۶ تا ۸۲ بیش از ۲۲۴ درصد و نرخ رشد کلاس‌های آموزشی ویژه زنان به بیش از ۵۳ درصد رسید.

## برش

### هوشمندترین شهر جهان کجاست؟

هوشمندترین شهر جهان می‌تواند بسته به معیارها و شاخص‌های مورد استفاده برای ارزیابی متفاوت باشد. بر اساس رتبه‌بندی‌های اخیر، زوریخ سوئیس به عنوان بهترین شهر در شاخص شهرهای هوشمند شناخته شده است.

**به گزارش پیام آشنا** به نقل از ایمنا، شاخص هوشمندی، شهرها را بر اساس پیادسازی فناوری، تلاش‌های پایدار و کیفیت کلی زندگی برای ساکنان ارزیابی می‌کند و بر همین اساس زوریخ به عنوان یکی از برترین شهرهای هوشمند جهان است. زوریخ به طور مداوم در رتبه‌های مختلف شهرهای هوشمند از جمله شاخص جهانی شهر هوشمند IMD در صدر قرار دارد. این شـهر از زمان آغاز این شـاخص در سال ۲۰۱۹، مقام اول را حفظ کرده اسـت و در آخرین رتبه‌بندی سـال ۲۰۲۲، از ۱۴۱ شهر جهانی پیشی گرفته و در زمینه‌هایی مانند بهداشت و ایمنی، حکمرانی و فعالیت‌های فرهنگی نمرات بالایی کسب کرده است. تعهد این شهر به پایداری و نوآوری آن را به مدلی برای توسعه شهری تبدیل کرده است.

زوریخ انواع پیشرفت‌های فناوری را پیاده‌سازی کرده است که مدیریت شـهری گرآمد را تسـهیل می‌کند. به‌عنوان مثال، چراغ‌های خیابانی هوشـمند در واندزویل نه‌تنها خیابان‌ها را روشن می‌کنند بلکه جریان ترافیک را نیز نظارت می‌کند، WiFi عمومی ارائه می‌دهند و داده‌های محیطی را جمع‌آوری می‌کنند. علاوه بر این، زوریخ از دوقلوی دیجیتال فضاهای فیزیکی برای بهبود برنامه‌ریزی شهری استفاده می‌کند تا عواملی مانند سر و صدا و آلودگی هوا را قبل از شروع هر اقدامی ارزیابی کند.

**ویژگی‌های زوریخ**

ابتکارات پایدار: زوریخ تعدادی از ابتکارات سبز را برای بهبود زندگی شهری و کاهش تأثیرات زیسـت‌محیطی اجرا کرده است که شامل گزینه‌های گسـترده حمل‌ونقل عمومی و سرمایه‌گذاری در منابع انرژی تجدیدپذیر است.

زیرساخت دیجیتال: این شهر دارای زیرساخت دیجیتال قوی است که از فناوری‌های هوشمند مختلفی پشـتیبانی می‌کند؛ از جمله سیسـتم‌های مدیریت پسـماند گرآمد و مدیریت ترافیک هوشـمند برای کاهش ترافیک. مشـارکت شهروندان: زوریخ بر مشارکت شـهروندان در ابتکارات شهر هوشـمند تأکید دارد و اطمینان حاصل می‌کند که توسعه‌ها با نیازها و ترجیحات ساکنان هم‌راستا باشد.

**سایر شهرهای هوشمند**

اسـلو، نروژ: این شهر که در رتبه دوم قرار دارد، در ادغام فضاهای سبز و رویدادهای فرهنگی در زندگی شهری ممتاز است و به تقویت پیوندهای اجتماعی میان شهروندان کمک می‌کند.

کانبرا، استرالیا: این شهر بر استراتژی‌های نوآورانه برای حفظ استعدادها و جذب سـرمایه‌گذاری تمرکز دارد و به همین دلیل در رتبه‌بندی‌های شهرهای هوشمند قابل توجه است.

ژنو، سوئیس: ژنو به‌دلیل کیفیت بالای زندگی و خدمات عمومی پیشرفته خود شناخته شده است و همچنان به تقویت ابتکارات شهر هوشمند خود ادامه می‌دهد.

سـنگاپور: هرچند در سـال جاری در صدر نیسـت سنگاپور همچنان به‌عنوان یک رهبر جهانی در توسعه شهرهای هوشمند شناخته می‌شود. برنامه موسـوم به ملت هوشمند این کشور که در سال ۲۰۱۴ راه‌اندازی شد، مجموعه‌ای از فناوری‌ها را معرفی کرده که زندگی شهری را بهبود می‌بخشـد، از جمله پرداخت‌های بدون تماس و کاربردهای گسـترده اینترنت اشیا (IoT).

کپنهاگ دانمارک: کپنهاگ به‌علت تعهـدش به پایداری و راه‌حل‌های نوآورانه شهری شناخته شده است و در رتبه‌بندی‌ها به‌شدت مورد توجه قرار گرفته است.

لندن، انگلستان: لندن همچنان یکی از پایه‌های قوی در رتبه‌بندی‌های شهرهای هوشمند است و با سرمایه‌گذاری‌های گسترده در فناوری 5G و راه‌حل‌های شهری مبتنی بر هوش مصنوعی شناخته می‌شود.